



- ✓ تا به حال در رابطه با حوزه مطلوب و آرمانی فکر کرده‌اید؟
- ✓ تا به حال در ذهن خود، یک حوزه ایده‌آل را به تصویر کشیده‌اید؟
- ✓ طلاب در این حوزه چگونه فکر می‌کنند؟
- ✓ رفتارهایی که یک طلبه باید داشته باشد، چیست؟

تعداد کلمه: ۸۸۷

زمان مطالعه: ۵ دقیقه

(ناظر بیرونی به وضعیت عمومی طلاب، آنها را این‌گونه توصیف خواهد کرد):

ما با افرادی روبرو شدیم که هر کدام دارای کتابخانه‌ای کوچک ولی علمی بودند، منابع دست‌اول، منابع مرجع اعم از کتاب، مقاله، لوح فشرده، نوار صوتی در یک طبقه‌بندی منظم که به سرعت برای بیننده قابل تشخیص بود قرار داشتند، در هر زمینه علمی مرتبط با رشته اسلام‌شناسی، منبعی قابل توجه وجود داشت.

هر کدام از این افراد رایانه‌ای داشتند که به جای موسیقی و بازی و عکس و فیلم، حاوی یادداشت‌ها و اطلاعات الکترونیکی دیگر بود که دقیق اسم‌گذاری شده و دقیق آدرس‌دهی شده بودند. هر کلیدواژه مرتبط با علوم و معارف اسلام و علوم انسانی را که در قسمت جستجو وارد می‌کردید، نتیجه‌ای بازیابی می‌شد. اطلاعات صرفاً به خاطر جالب بودن گردآوری نشده بودند بلکه برای هر یک کاربردی ملاحظه شده بود.

هر یک از طلاب، هنگام مواجهه با سوال و مساله‌ای، بلافاصله به سراغ منابع و کتاب‌ها نمی‌رود بلکه کاغذی به دست گرفته و شروع به تفکری مرحله‌به‌مرحله برای حل مساله می‌نماید و سعی می‌کند تا پاسخی اولیه را برای مطلب تولید کند. سپس برای بررسی و ارزیابی پاسخ تولید شده، به سراغ منابع می‌رود، ولی نه به صورت کور و بدون برنامه، بلکه با تعریف کلیدواژه‌های ترکیبی برای جستجو، در کمترین زمان بیشترین نتایج مرتبط را هم در میان کتاب‌ها هم مقالات و هم منابع الکترونیکی، منابع دیداری و شنیداری، منابع خطی، شخصیت‌های علمی مرتبط، مراکز علمی مرتبط، و در میان کتاب‌ها و یادداشت‌ها و فایل‌های شخصی خودش بازیابی می‌کند، اعتبارسنجی کرده، دسته‌بندی می‌کند و در یک ساختار منطقی علمی و تالیفی به صورت یک نوشته یا سخنرانی ارائه می‌نماید.

ما طلابی را دیدیم که حوصله و اشتیاق مطالعه داشتند و با خواندن چند صفحه از یک کتاب خسته و بی‌حوصله نمی‌شدند و گاه ساعت‌ها مطالعه می‌کردند، فکر می‌کردند، یادداشت برمی‌داشتند، کتاب‌ها را با هم مقایسه می‌کردند و سرانجام می‌توانستند نتیجه مطالعات خود را به دقت توضیح دهند.

هنگامی که طلاب در یک درس یا سخنرانی علمی شرکت می‌کردند، دقیقاً می‌دانستند که این درس یا سخنرانی، چه اثر و کاربردی دارد و چگونه باید از آن در زندگی استفاده کرد. طلاب در درس‌ها فقط شنونده نبودند بلکه فعالیت اصلی درس را که یافتن پاسخ مساله و حل مشکلی بود با هدایت استاد به‌عهده داشتند.

تمام طلاب دارای برنامه‌ریزی درازمدت بودند و افق‌های ۲۰، ۳۰ و ۵۰ ساله برای خود داشتند و مرحله‌به‌مرحله نشاط و انگیزه ادامه راه در آنها بیشتر دیده می‌شد.

گفتگوی علمی با این طلاب واقعا مهیج بود، مطالب تو را به دقت گوش می‌دادند، سپس به زبان قالب‌های منطقی در می‌آوردند اشکال و حفره موجود در تفکرت را با قاعده و مثال‌های ملموس نشان می‌دادند. و هنگامی که خود استدلال می‌کردند برهان و دلیل را قدم‌به‌قدم به‌گونه‌ای شفاف بیان می‌کردند که جای هیچ گفتگوی دیگری باقی نمی‌ماند.

در هر موضوعی که درخواست تحقیق می‌شد، طرح‌نامه تحقیقی منسجم و کاربردی‌ای را تنظیم می‌کردند و بر اساس برنامه همان طرح، نتایج را ارائه می‌نمودند.

واقعا جالب بود که در هر گفتگویی، وقتی نظر اسلام را راجع به موضوعی قدیمی یا جدید می‌پرسیدیم، آیه‌ای از قرآن را می‌خواندند و آن را از روی قرآنی که در جیب داشتند نشان می‌دادند و مقصود آیه و تطبیق آن بر موضوع را با استناد به تفاسیر توضیح می‌دادند. همین کار را با احادیث نیز انجام می‌دادند و چنان آیات و احادیث را ترجمه می‌کردند که گویا آیات و روایات همین امروز نازل شده است و ما مستقیماً مخاطب خداوند و پیامبر هستیم.

جالب‌تر اینکه ابتدا جایگاه موضوع را در شبکه موضوعات و مسائل توصیف می‌کردند به‌گونه‌ای که خود ما تصویرمان از موضوع دچار تغییر و ارتقاء می‌شد، سپس نظر اسلام راجع به موضوع را ارائه می‌کردند. فضای زندگی شهری، کشوری و جهانی و نظرات دیگری که در فضای علمی و اجتماعی رواج داشتند و رقیب نظر اسلام محسوب می‌شدند را خوب می‌شناختند و جداول مقایسه‌ای تطبیقی از آنها را رسم

می کردند و بدون اینکه خودشان ادعا کنند که نظر اسلام برتر و بهتر است با دیدن جداول تطبیقی، مجبور بودی به برتری نظر اسلام اعتراف کنی!

هر کدام از آنها کتابی سه جلدی با عنوان «اسلام چه می گوید؟» دارند که تالیف خودشان است، در دفتر اول، نگرش‌ها و عقائد اسلام ارائه شده، در دفتر دوم، قوانین اسلام و در دفتر سوم فرهنگ و اخلاق اسلام.

در تمام این دفترها، نظر اسلام با ارائه آیات و روایات، مستند شده و سپس عقلانیت موجود در آنها با برهان ارائه شده و در نهایت با نظرات رقیب مقایسه شده است و در هر قسمت راهکارهای اجرایی برای تغییر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب عرضه شده است. این افراد واقعا آینده‌ساز و از زمان جلوتر هستند و توانایی این افراد برای کاربردی کردن معارف دین در زندگی بسیار است.

مراجعه‌کنندگان مختلفی را می‌دیدیم که هر یک با خواسته‌ای می‌آمدند و با دستورالعملی قدم‌به‌قدم برای حل مشکل بازمی‌گشتند، یک نفر مشاوره تحصیلی داشت، نفر دیگر تنظیم قرارداد اجاره‌ای را طلب می‌کرد، دیگری حل بحران رفتاری موجود در خانواده‌اش را متقاضی بود، فردی برنامه فرهنگی برای سازمان خود مطالبه می‌کرد، طالب حقیقتی به دنبال حرکت در مسیر شهود الهی بود و راهنمایی‌های اولیه را درخواست می‌کرد و ...

وقتی به وضعیت زندگی و رفتاری خودشان نیز توجه می‌کردیم، مهارت خوبی در اجرای گفته‌هایشان مشاهده می‌شد و در یک جمله می‌توان گفت:

این طلاب، افرادی منطقی و موجه بودند که هر گاه با هر کدام از آنها گفتگو می‌کردی، قوت و استواری علمی، روحی و رفتاری و جستجوگری حقیقت و علم را در آنها لمس می‌نمودی. با دیدنشان به یاد خدا می‌افتادی و با نظر به زندگی‌شان ابدیت را مشاهده می‌کردی. اللهم ارزقنا.